

۱۶۷۶۳

مجله	کتابت
تاریخ نشر	فرار ۱۳۲۱
شماره	سال چهارم
شماره مسلسل	قم
محل نشر	نارس
زبان	سری، محمد مراد باهر
نویسنده	۲۷۶ - ۲۸۵
تعداد صفحات	مرآن در نظر ادبائیان
موضوع	
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

قرآن در نظر اروپائیان

چندی پیش یکی از دوستان کتابی انگلیسی بنام Charm of Islam (جذابیت اسلام) بمن داد تا آنرا مطالعه کرده و قسمتهای برجسته اش را انتخاب و ترجمه کنم. این کتاب که چاپ دوم آن در سال ۱۹۶۰ در بیست و پنج هزار نسخه چاپ شده، در نه بخش تنظیم شده است که اینک ترجمه فصل چهارم آن از نظر خوانندگان محترم میگردد. در این فصل از بیش از بیست کتاب مختلف که بزبانهای فرانسه و انگلیسی درباره قرآن اظهار نظر کرده اند، قسمتهائی را نقل میکنند و ما برای آنکه تاحدی با تأثیر و نفوذ قرآن در بین سایر ملل آشنا شویم عین آنرا ترجمه کرده، و در ذیل هر قسمت ترجمه، نام کتاب را نقل میکنیم. . . باشد که مفید افتد.

محمد جواد باهنر



ف. ف. اربوتنوت میگوید: F.F. Arbuthnot

« از نقطه نظر ادبی، قرآن به عنوان نمونه فصیحترین عربی که در سبکی بین نثر و شعر در آمده است، ملاحظه میشود. تعجب در این است: با آنکه قرآن از نظر لغات و طرز گرامری

و جمله بندی عیناً طبق قواعد دستوری عربی است ، با وجود این ، تمام همتیکه دیگران بخرج داده اند که بظرافت و بلاغت قرآن چیزی بنویسند تا کنون موفق نشده اند .
 « علاوه از جهت فوق آخرین و کاملترین متن قرآن در بین بیست سال پس از مرگ پیغمبر (۶۳۲ م) تدوین شده است و عیناً همان متن تا کنون باقی مانده است . بدون آنکه هیچگونه تحریف و تصرفی از طرف هواداران قرآن یا مترجمین و مفسرین در آن بعمل آمده باشد متأسفانه چنین ادعائی در باره هیچیک از کتب عهد قدیم و جدید نمیتوان کرد .

« بنیان بیهاو قرآن ، لندن . ۱۸۸۵ ص ۵ »

* **

ا.ج. اربی A.J. ARBERRY میگوید:

در باره خود قرآن قضاوت نمی کنیم ، بلکه در باره ترجمه های زیاد و نارسائی که بعنوان ترجمه های خوب و صحیح تهیه شده است میگوئیم : ترجمه بدبهبیچوجه نمیتواند بطور کامل معنی را بفهماند . قرآن از نظر مترجمین انگلیسی زبانش خوش بخت است ، چون «سل» و «پالمر» نویسندگان باذوقی بودند ، اشتباه در ترجمه باندازه اشتباه در سبک خواندن ترجمهها نیست ، اساس گرفتاری آن است که بطور کلی ، خوانندگان معمولی - و حتی در این مورد خوانندگان غیر معمولی نیز - کاملاً رهنمائی نشده اند که قرآن را چگونه بخوانند . در ابتداء ، يك نفر غربی که میخواهد قرآن را بخواند ، باید از این ادعا که قرآن کم و بیش نظیر تورات است ، دست بردارد .

وقتیکه خواننده در اولین نظر تصادفی پسر اخ اسامی : آدم - ابراهیم - موسی - داود - سلیمان - یوسف و یعقوب می رود ، طبیعی است که قرآن را کاملاً نمیفهمد .

وی با این تأثیرات آنی گمراه میشود ، خواننده از اینکه سعی دارد ، فوراً مطالب زیادی بفهمد ، اشتباه خطرناکی میکند . وی هر - جای قرآن را که دوست داشت باز میکند ، مثلاً اول يك سوره را ، وی ابتدا نفهمیده ، از اینکه ترتیب ابواب و آیات بنظرش آشنا می آید ، آرایش پیدا میکند ؛ اولین سوره را تمام میکند و بچند سوره دیگر هم ادامه میدهد ، و از تبدیل و تغییر سریع موضوع که بنظر غیر منطقی می آید پریشان میشود ، و از طرفی از تکرار بیان مطالب و دستور العمل ها خسته میشود ، چه وی ساده گوی و روانی کتاب پادشاهان و سموئیل و فصاحت زبور داود و اشعیاء را از دست داده و در عین حال نتوانسته است اسرار عالی قرآن را کشف کند ، او قرآن را یا آنچه از کودکی بوی آموخته اند مقایسه میکند و حاضر است با کارلیل - در عقیده ای که درباره قرآن داشته است - موافقت کند .

قرآن ، مانند سبک شعری . که از جهاتی شبیه آن است - بهترین نمونه خلاصه گوئی است ، ولی این خلاصه احتیاج ب فکر و دقت دارد ، تا کم کم خواننده با این ادعای قرآن که کتب مقدس سابق را تصدیق میکند ، آشنا شود وی ملاحظه میکند که قرآن مطالب کتب مقدس را دارد و علاوه بر این مطالب و داستانهای دیگری هم زیاد کرده است خواننده ، قدم ب قدم نیروهای کامل رسالت را کشف میکند و هنگامی که بمباحث و قانون گذاری قرآن میرسد ، بهتر میتواند مطالب را

درك كند .

هم اکنون که وی خواننده محقق و رزیده ای است و با اصرار و صمیمیت هر چه زیاده تر میخواند قرآن را آنطور که هست بشناسد ، تازه نمی تواند لذتی را که يك نفر مرد معتقد از قرآن می برد ، قبول کند .

چه وی با دو مانع از این لذت محروم است : صفحه چاپ شده که در پیش اوست و اصطلاحات خارجی قرآن از آن نظر ، اصطلاح خارجی است که بصورت عربی و وحی شده است و جنبه مهیج و دل انگیز بودن قرآن اصلی تقریباً بطور کلی در ترجمه ها - هر چند هم ماهرانه باشد - از بین می رود .

وقتی بنام در آن شرایط از قرآن قدر شناسی کنیم ، دیگر ناراحتی از تکرار مطالب و گیج و پیریشان شدن از فشردن مطالب بحساب قرآن گذارده نمیشود .

حقیقت باتذکرات مکرر تیره نمیشود ؛ در هر تکرار باید از جهات حساس و مناسب آن استفاده کرد هر جا حقیقت آمد ؛ دیگر بهیچوجه مسئله غیر منطقی بودن ، یا قابل فهم نبودن مطرح نیست .

«قرآن مقدس» - مقدمه و انتخابات . چاپ لندن - ۱۹۵۴ -

ص ۱۷ و ۲۵ - ۲۷

* * *

بسانتاکوهر بوس میگوید:

... بنابراین هیچگونه فرصتی برای جعل و دخل و تصرف مسلمانان

و هواداران ؛ در قرآن باقی نمیماند . و همین موضوع قرآن را تقریباً

از تمام آثار مهم مذهبی تاریخ باستان امتیاز داده است .
خیلی بعید است که توانسته باشد، شخص درس نخوانده ئی
بهترین کتاب زبان عرب را خود انشاء کند .

« آئین محمدی »، کالکته - ۱۹۳۱ - ص ۴

* * *

پول کازانووا مینویسد .

هر گاه از محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معجزه ئی میخواستند که دلیل صحت ادعایش
باشد ، وی قسمتی از قرآن را عرضه میداشت و جلال و شکوه
بی نظیرش شاهد آن بود که ریشه و منشأ الهی و ملکوتی دارد
و در حقیقت؛ حتی برای آنها که مسلمان نیستند ، هیچ چیز عجیبتر
از زبان قرآن نیست که با بیان بس رسا و طنین دل انگیز و گوش
نوازش ، مردم آن روز را که بسیار علاقه مند به فصاحت بودند ، مجذوب
و شیفته کرده و وادار به تحسین مینمود .

وسعت سیلابها و طنطنه آهنگ و سجع و قافیة عجیبش بیشتر
اوقات ، بسیاری از مخالفین و مشرکین را متقلب میکرد .

* * *

جان ویلیام درپر G.w.Draper میگوید :

قرآن تذکرات عالی اخلاقی و دستورات زیادی دارد . سبک انشاء
قرآن بطوری تنظیم شده است ، که ما بهیچ صفحه ای مراجعه نمیکنیم
جز آنکه عالیترین چیزی را که همه کس بایستی پسندیده و تصدیق
کند ، در آن خواهیم یافت ، این بنیاد مخصوص که بصورت تکه های

کوتاه، کوتاه است، مطالب، شعارها، قوانینی را بما میآ موزده که بخودی خود کامل بوده و برای عموم مردم در تمام حوادث و احتیاجات زندگی مناسب و قابل استفاده است.

«تاریخ ترقی فکر اروپا» لندن ۱۸۷۵ ص ۳۴۳-۳۴۴

* * *

هاری گای لرد درهن میگوید:

قرآن وحی پروردگار است که بصورت لفظی، توسط جبرئیل بر حضرت محمد (ص) نازل شده است.

قرآن معجزه دائمی است که گواه خود وهم گواه محمد، پیغمبر خدا میباشد. نحوه اعجازش تا اندازهائی بسبب انشاء قرآن بستگی دارد. آنچنان کامل و تمام است که هیچ جن وانسی نمیتواند يك قسمت بیاورد که با بخش مختصری از قرآن قابل مقایسه باشد، حتی کمی از تعلیمات پایدار قرآن: پیشگوئیهائی که در باره آینده کرده است، اطلاعات درست و شگفت انگیزیکه دارد، آنچنان است که حضرت محمد که استادی ندیده است، بهیچوجه نمیتواند، از پیش خود آنها را فراهم ساخته و انشاء کند.

«بسی شناسائی اسلام» نیویورک ۱۹۴۸ ص ۴

۵. ۱. ر. گیپ (H. A. R. Gibb) می نویسد: اگر قرآن انشاء

خود پیغمبر بود، سایر مردم هم میتوانند رقابت کنند؛ بگذارده آیه نظیر قرآن بیاورند. اگر نتوانستند (وروشن است که نمیتوانند) اجازه بدهید، آن را بعنوان معجزه مستدل و برجسته ای بپذیرند

«آئین محمدی» لندن ۱۹۵۳ ص ۴۴

* * *

هر توینگ هیر چنلد میگوید:

از اینکه قرآن را سرچشمه علوم میابیم ، نباید تعجب کنیم .
تمام موضوعاتی که مربوط به آسمانها ، زمین ، زندگی انسان ، تجارت
و انواع گوناگون معاملات است ، در سطح عالی قرار گرفته و ما هر آنه
است

بدین طریق قرآن عهده دار بحثهای بزرگی است ، و توسعه شگفت
انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم ، غیر مستقیم مدیون آن است .
و آن نه تنها عرب را بدانش تشویق کرد بلکه فلاسفه یهود را نیز
وادار و ترغیب کرد ، که مسائل مذهبی و ماوراء الطبیعه را بر روش عربها
تعقیب کنند . آخر الامر اسکولاستیک (علم کلام مسیحی) آنچنان با
عرفان اسلامی پرورش یافته و ترقی کرد که احتیاج به بحث زیاد
تری نداشت .

جنب و جوش علمی و عقلانی که در بین دستجات مسلمین آغاز
شد ، تنها مستند بافکار مربوط بالهیات نبود ، وقوف بر نوشته های
فلسفی ، ریاضی ، نجومی و طبیی یونان منجر به تعقیب اینگونه مطالعات
گردید .

در الهامات قرآنی که برای مردم بیان شده است ، تجد (ص)
کراراً توجه مردم را به جنبش آسمانی و توجه معنوی اشخاص جلب
میکرد ، همانطور که قسمت دیگری از آیات الهی آنانرا به خدمت
و کمک کردن بمردم - البته نه تا سر حد بندگی و عبادت - وادار میکند

مردم مسلمان از هر نژادی که بودند با موفقیت عجیبی به تحقیق و بحث علمی پرداختند، بررسی علم نجوم نشان میدهد، که مسلمین قرنهای نگهباران این علم بودند. حتی هم اکنون نیز بسیاری از اسامی عربی ستارهها و اصطلاحات فنی در بین ما بکار میرود. منجمین قرون وسطای اروپا شاگردان عربها بودند.

بهمین ترتیب، قرآن تحوّل در مطالعات طبی ایجاد کرده و دستور بررسی عالم طبیعت را، بطور کلی، داد.

«تحقیقات جدید در باره انشاء و تفسیر قرآن» لندن ۱۹۰۴ ص ۹

روح. مارگواوت مینویسد:

قرآن، بطور مسلم در بین کتب بزرگ آسمانی جهان، مقام ارجمندی دارد. گرچه جدیدترین تحولات بوجود آورنده تاریخ؛ با این کلاس ادبیات مربوط است، هیچ اثری شگفت انگیزتر از اینجند تودههای بزرگ انسانی؛ نداشته است. قرآن سبک جدید تفکر انسانی و اخلاق نوین را بوجود آورده است.

«در معرفی قرآن» لندن ۱۹۱۸

سر ویلیام هور میگوید:

قرآن شاهکار اسلام است، دامنه تسلطش بر تمام مطالب مذهبی گسترده شده است، علم و اخلاق بطور مساوی همانطور که در مطالب مذهبی است. در آن جمع میباشد. قرآن عالی است و با کمالهفت آنچنان طرح ریزی شده که سؤال بر دار نیست (کامل و

اشهدالی

آقای محمد... صابری

کتابخانه... ۲۸۴... دانات

مکتب تشیع سالانه

روشن است...)

دزندگی محمد، لندن ۱۹۰۴ - فصل قرآن ص ۷

ادوارد مفتیت میگوید:

تمام آنها که باقرآن در زبان عربی آشنا هستند؛ درستودن لطافت و زیبایی این کتاب مذهبی اتفاق دارند. طرح عالی قرآن آنچنان بلند و باشکوه است، که هیچ ترجمه‌ئی بهیچ زبان اروپائی نمیتواند حق آن را ادا کند.

«ترجمه فرانسه قرآن» پاریس ۱۹۲۹ «معرفی» ص ۵۴

جیمز ا. میچرز:

قرآن محتملاً بیش از همه کتابها در دنیا خواننده دارد؛ مطمئناً بیش از همه کتابها حفظ میشود، و ممکن است از همه کتابها، در زندگی روزمره پروانش بیشتر تأثیر و نفوذ داشته باشد؛ قرآن مثل انجیل نیست، بلکه در سبک قابل ستایشی نوشته شده است، نه شعر است و نه نثر معمولی، هنوز آن قابلیت را دارد که شنوندگان را بلندت و وجد ایمان بر انگیزاند.

قرآن در بین سالهای ۶۱۵ و ۶۳۲ در شهرهای مکه و مدینه بحضرت محمد وحی شد؛ نویسندگان فداکار و صمیمی آنرا روی صفحات کاغذ؛ پوست درختان و استخوانهای سفیدشانه حیوانات یادداشت کردند. اولین الهامات افکار مردم را متوجه تو حید میگرد، يك خدا بیشتر نیست، خدای رحیم، مهربان. او الله است که خالق و صانع

و مصور است. هر چه در زمین و آسمان است مظهر جلال اویند. او توانا و دانا است.

این پیامی بود که بتها را از بین برد و ب مردم الهام کرد که در زندگی خود و ملل دیگر انقلابی ایجاد کنند. در سالهای بعد، وقتیکه اسلام نفوذ فراوانی در تمام مناطق عرب پیدا کرد و احتیاج بنیروی زیادی داشت، برای ایجاد سازمان اجتماعی، قوانین و آئین و مسائل لازم فرورستاده شد ...

قرآن در بحثهاییکه در بارهٔ یک زندگی خوب میکند، بخوبی سطح مطالب را پائین آورده است (روشن و بی تکلف صحبت میکند) ... (نویسنده در اینجا بعنوان نمونه موضوع فرض را که باید بانوشته و دو شاهد محکم کرد از قرآن نقل میکند).

«اسلام مذهبی که درست شناخته نشده» نقل از ریترز دایجست
ماه ۱۹۵۵

